

Original Article

Critical Examination of the Jurisprudential Grounds of the Blood Money for Penetrative Cheek (Critical Analysis of Note 3 of Article 709 of the Criminal Code)

Taha Zargarian^{1*}, Majid Ghoorchi Beigi², Ali Khaksar Haghani Dehkordi³

1. PhD Candidate in Jurisprudence and Criminal Law, Department of Criminal Law and Criminology, Khwarazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Tahazargariyan93@gmail.com
2. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology Department, Khwarazmi University, Tehran, Iran.
3. Teachers of the Supreme Seminary of Qom, Qom, Iran.

Received: 16 Dec 2018 Accepted: 6 Mar 2019

Abstract

Background and Aim: In remark 3 of article 709 of the Islamic Punishment Code, the legislator put: "if the offence on the cheek is in a way that shows inside the mouth, one fifth of full blood money is necessary". However, there is no consensus on this point among Imamie jurists because some of them believe that this type of blood money is only one tenth of full blood money. They are different and it is an important point because the abandonment of each of the two perspectives will have a significant effect on the amount of blood money. The case is exacerbated when we observe that both groups refer to some valid traditions. Therefore, it requires a content investigation to settle this issue.

Materials and Methods: Content investigation has its own complexity, however, based on a descriptive-analytic method, and utilizing verbal reasons and the procedure of the jurists, in this way, it examines the jurisprudential foundations of the third remark of article 709 of the Criminal Code.

Conclusion: The result of the discussion and reviews suggested as modifying the remark of the article is that whenever a cheek is exposed to injury, it is necessary to determine blood money at a rate of one-tenth of the full blood money.

Keywords: Blood Money; Cheek; Penetrative

Please cite this article as: Zargarian T, Ghoorchi Beigi M, Khaksar Haghani Dehkordi A. Critical Examination of the Jurisprudential Grounds of the Blood Money for Penetrative Cheek (Critical Analysis of Note 3 of Article 709 of the Criminal Code). *Feghh Journal* 2018-2019; 10(36-37): 7-19.

واکاوی انتقادی مبانی فقهی دیه نافذه گونه

(تحلیل انتقادی تبصره ۳ ماده ۷۰۹ ق.م.ا)

طه زرگریان^{۱*}، مجید قورچی بیگی^۲، علی خاکسار حقانی دهکردی^۳

۱. پژوهشگر مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Tahazargariyan93@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. طلبه سطوح عالی حوزه علمیه، قم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: قانونگذار طی تبصره سوم ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «جنایت بر گونه ... اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد، موجب یک‌پنجم دیه کامل است...» میزان یک‌پنجم دیه کامل در فرض نمایان شدن داخل دهان، مورد اتفاق فقهای امامیه نیست، بلکه گروهی از فقهای امامیه بر این باورند که میزان دیه گونه در فرض مذکور، یک‌دهم دیه کامل است. تفاوت دو دیدگاه از اهمیت به سزایی برخوردار است، زیرا انصراف به هر یک از دو دیدگاه، تأثیر قابل توجهی در میزان دیه ایجاد می‌کند. اتخاذ هر یک از دیدگاه‌های موجود هنگامی دشوار می‌شود که مستند هر دو دیدگاه، روایات معتبر است. این موضوع، روند ارزیابی را در بحث و بررسی‌های دلالتی مختص می‌کند.

مواد و روش‌ها: واکاوی دلالتی روایات، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و مقاله پیش رو مبتنی بر اسلوب توصیفی - تحلیلی کوشیده است تا با تمسک به ادله لغوی و کلام فقها به این واکاوی نشست و از این طریق، مبانی فقهی تبصره سوم ماده ۷۰۹ ق.م.ا را به بوته نقد گذارد.

نتیجه‌گیری: نتیجه بحث و بررسی‌های صورت گرفته که به عنوان اصلاح تبصره ماده مذکور پیشنهاد می‌شود، از این قرار است که هرگاه گونه در معرض جراحت نافذه قرار گیرد، لازم است دیه آن به میزان یک‌دهم دیه کامل تعیین شود.

واژگان کلیدی: دیه؛ گونه؛ نافذه

مقدمه

دیه به عنوان کیفر مالی در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که موضوع کیفرهای مالی، اموال مجرم یا جانی است تقنین آن‌ها با دشواری‌های خاص خود مواجه است، لکن مجازات دیه پیچیدگی‌های مضاعفی دارد، زیرا مبانی وضع دیه روایاتی است که بعضاً آن روایات، مبهم، مجمل و یا در تعارض با روایات دیگر هستند. موضوع دیه از جنبه‌های گوناگونی قابلیت بررسی دارد، لکن جنبه مورد نظر پژوهش حاضر میزان دیه در فرض نافذه گونه است. تحقیق حاضر، فارغ از هر بحث دیگری درباره دیات، ممحض در این مطلب است که هرگاه آلت جارحه در ناحیه گونه نفوذ کند، دیه آن، چه میزان خواهد بود؟ وقتی آلت جارحه در گونه نفوذ می‌کند، امکان وقوع دو فرض جرحی برای گونه متصور است: فرض اول آن است که آلت جارحه طوری در گونه نفوذ کرده باشد که طرف دیگر گونه به سمت داخل دهان هیچ آسیبی ندیده و به اصطلاح، داخل دهان را نمایان ن ساخته باشد؛ فرض دوم آن است که آلت جارحه از طرف خارج گونه به داخل گونه نفوذ کرده، به طوری که آلت جارحه از طرف دیگر گونه خارج شده باشد. فرض مذکور اصطلاحاً با این عبارت شناخته می‌شود که داخل دهان نمایان شده است. قانونگذار هر دو فرض مذکور در بالا را مورد تقنین قرار داده است. تبصره سوم ماده ۷۰۹ ق.م.ا: مقرر می‌دارد: «جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد، موجب یک‌بیستم دیه کامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد موجب یک‌پنجم دیه کامل است...» محل بحث پژوهش پیش رو ارزیابی میزان دیه در فرض دوم تبصره است، یعنی هنگامی که آلت جارحه اصطلاحاً داخل دهان را نمایان ساخته است. میزان دیه در فرض مورد نظر بر اساس قانون، یک‌پنجم دیه کامل تعیین شده است. فلسفه این تقنین مبتنی بر دیدگاه گروهی از فقهای امامیه است. مستند این دیدگاه فقهی برخی از روایات صحیح السند می‌باشد، لکن در مقابل دیدگاه یک‌پنجم دیه کامل، نظر گروهی از فقها بر میزان یک‌دهم دیه کامل است. مستند این فقیهان نیز بعضی از روایات صحیح السند است. حال سؤال پیش رو آن است که

قانونگذار محترم با چه ادله‌ای میزان یک‌پنجم دیه کامل را بر میزان یک‌دهم دیه کامل ترجیح داده است، با وجود این که مستند روایی هر دو دیدگاه، معتبر است؟ آیا قانونگذار قرینه خاصی بر ضعف ادله دیدگاه یک‌دهم دیه کامل مشاهده کرده است؟ این‌ها سؤالاتی است که ارزیابی آن‌ها پژوهش حاضر را در پاسخ به سؤال اصلی یعنی تعیین میزان دیه نافذه گونه در فرض نمایان شدن دهان یاری می‌دهد. فرضیه مأخوذ نزد نگارندگان آن است که نه تنها هیچ نقضی بر دلایل دیدگاه یک‌دهم دیه کامل وارد نیست، بلکه ادله روایی دیدگاه یک‌پنجم دیه کامل، از نظر دلالتی با اشکالات جدی مواجه است. از این رو به نظر می‌آید که دیدگاه صائب، همان دیدگاه یک‌دهم دیه کامل است. هدف از پژوهش حاضر، کشف میزان صحیح دیه نافذه گونه است که این مهم، جز از راه ارزیابی دقیق مبانی فقهی مربوطه حاصل نمی‌شود.

ضرورت تحقیق

اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که مقاله پیش رو با غور در مبانی فقهی تبصره مورد نظر، صحت یا عدم صحت میزان دیه نافذه گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان را در قانون مجازات اسلامی هدف نقد و اصلاح قرار داده که این خود، حاکی از مسأله محوری بودن تحقیق پیش رو است. مسأله مورد نظر که محوریت پژوهش حاضر را به عهده دارد ممحض در میزان دیه است. میزان دیه‌ای که مابه التفاوت آن در سال ۱۳۹۷ شمسی بر اساس اختلاف دیدگاه فقهی به مبلغ ۲۳۱۰۰۰۰۰ تومان خواهد بود. بر اساس دیدگاه قانونگذار، میزان دیه نافذه گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان، بر مبنای میزان یک‌پنجم دیه کامل - یعنی مفاد تبصره سوم ماده ۷۰۹ - به مبلغ ۴۶۲۰۰۰۰۰ تومان است، در حالی که میزان دیه نافذه گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان بر اساس میزان یک‌دهم دیه کامل به مبلغ ۲۳۱۰۰۰۰۰ تومان خواهد شد. همانطور که مشاهده می‌شود ما به التفاوت میزان دیه در فرض مورد بحث، به مبلغ ۲۳۱۰۰۰۰۰ تومان است. این مبلغ که بسیار قابل توجه است برخاسته از اختلاف دیدگاه در مبانی روایی بحث حاضر است.

پیشینه تحقیق

فقه‌های امامیه، مباحث شجاج و جراحات را در باب دیات کتب فقهی مطرح کرده و با دقت هرچه تمام، به ارزیابی مسائل پیرامون شجاج و جراحات پرداخته‌اند. جراحات نافذه و مسائل پیرامون آن از جمله مباحثی است که در کتب فقهی ذکر شده و دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن وجود دارد. میزان دیه نافذه گونه، یکی از مسائل اختلافی میان فقه‌های امامیه است که به مناسبت و البته به صورت پراکنده در برخی آثار فقهی نظیر «مبانی تکمله المنهاج» و «جواهرالکلام» قابل مشاهده می‌باشد. با مذاقه در آثار حقوق جزا معلوم می‌شود که صاحب‌نظران جزایی به بررسی جراحات نافذه توجه داشته و به مناسبت، در این باره اظهار نظر کرده‌اند، لکن پژوهش مستقلی که با هدف اصلاح ماده قانونی مذکور، در این بحث ممحّض شده، و اختلافات مبنایی را به طور مبسوط به بوته بحث و بررسی گذارد، در میان نگاره‌های علمی موجود نیست.

مفهوم‌شناسی

جهت پیشبرد بحث و بررسی لازم است واژگان «دیه»، «جراحات» و «خَد» مفهوم‌شناسی شده و از دیدگاه لغت و اصطلاح، مورد تحقیق واقع شوند.

۱- دیه در لغت و اصطلاح

علمای لغت برای واژه «دیه» از ریشه «ودی» معانی متفاوتی نقل کرده‌اند، اما مهم‌ترین معانی‌ای که برای واژه «ودی» ذکر شده عبارتند از: خون‌بها (۱)، هلاکت (۲)، جریان داشتن (۲)، عطا کردن (۳) و منع کردن (۴). فقه‌های امامیه دیه را عبارت از مالی می‌دانند که در قبال جنایت بر نفس یا عضو یا جراحات و یا مانند آن معین شده است (۵). دیه در اصطلاح حقوقی، مفهومی غیر از تعریف فقهی آن ندارد و حقوقدانان نیز دیه را به تبع مفهوم فقهی آن، مالی می‌دانند که به سبب ارتکاب جرم بر جان یا عضو انسان آزاد واجب می‌شود (۶-۷). قانونگذار همسو با مبانی فقهی و حقوقی، دیه را در فصل اول از بخش اول کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی طی ماده ۴۴۸ مورد تعریف قرار داده است: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو

یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.»

۲- جراحات در لغت و اصطلاح

واژه «جرح» به دو معنای اصلی: کسب کردن و شکافتن پوست است (۸). معنای عام واژه جراحات همان معنای لغوی جراحات، یعنی زخم است که در اصطلاح فقهی، با توجه به میزانی که از خراشیدگی پوست تا نفوذ در گوشت رخ می‌دهد، مصادیق متفاوتی دارد (۹). معنای خاص جراحات در فقه اسلامی عبارت است از این که جراحات پدیدآمده در سر و صورت با عنوان «شجاج» شناخته شوند و جراحات پدیدآمده در غیر سر و صورت با عنوان «جرح» تعبیر شوند (۱۰-۱۱). قانونگذار طی ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی به شرح شجاج و میزان دیات آن‌ها پرداخته است. جراحات در اصطلاح پزشکی عبارت است از این که بافت‌های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خونریزی توأمند، مانند پوست رفتگی، خراشیدگی، پارگی و بریدگی سطحی و عمیق توأم با آسیب پریوست - پرده روی استخوان‌های بدن (۱۲) - یا همراه با شکستگی یا آسیب مختصر و یا شدید احشایی یا صدمه مغزی (۱۳-۱۴).

۳- نافذه در اصطلاح فقه و قانون مجازات اسلامی

غالب فقه‌های اسلامی در باب دیات کتب فقهی، از جراحاتی با عنوان «نافذه» یاد کرده و پیرامون آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند. پیرامون ماهیت نافذه اختلاف نظر وجود دارد: گروهی از فقها نافذه را آن می‌دانند که آلت جارحه به میزان عرفی در دست یا پا نفوذ کند (۱۵-۱۶)؛ گروه دیگری از فقها نافذه را آن می‌دانند که آلت جارحه از یک طرف عضو، نفوذ کرده و از طرف دیگر عضو خروج کند (۱۷-۱۸)، هرچند قانونگذار مجازات اسلامی از فقه‌های گروه اول تبعیت کرده است، اما بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده (۱۹)، باید گفت که دیدگاه گروه دوم با ادله لغوی و روایی سازگارتر است.

۴- واژه «خَد» در لغت و اصطلاح

لغت «خَد» به معنای «گونه» نزد علمای لغت، چیزی دانسته شده است که از راست و چپ، بینی را احاطه نموده است (۲۰). یا گفته شده است: خد، زیر چشم تا گوشه لب (۲۱) یا گوشه لپ است: «ما جاوز مؤخر العین إلى منتهی الشدق»

جارحه به طرف دیگر گونه نفوذ نکرده و اصطلاحاً داخل دهان را نمایان نسازد؛ فرض دوم آن است که آلت جارحه، هر دو طرف گونه را شکافته و اصطلاحاً داخل دهان را نمایان سازد. میزان دیه در فرض اول، اختلافی نیست و قانونگذار به تبع دیدگاه فقهی (۲۴) میزان دیه آن را یک‌بیستم دیه کامل تعیین نموده است. تبصره ۳ ماده ۷۰۹ ق.م.ا: «جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد، موجب یک‌بیستم دیه کامل...»، اما محل بحث که به موجب اختلاف فقهی سامان یافته است، مسائل فرض دوم است، یعنی حالتی که آلت جارحه، از طرف خارج گونه وارد شده و تا داخل دهان نفوذ کرده باشد که میزان دیه در فرض مذکور، محل اختلاف است.

۱- دیدگاه‌ها

با تتبع در منابع فقهی می‌توان دو دیدگاه را به شرح ذیل پیرامون فرض مورد بحث مشاهده نمود:

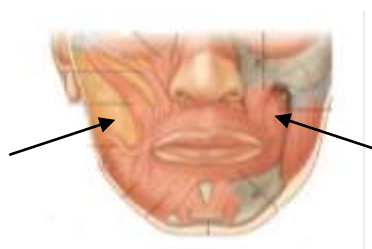
۱-۱- دیدگاه اول: گروهی از فقها بر این باورند که هرگاه جراحتی بر گونه وارد آید که از طریق آن جراحت، داخل دهان نمایان شود، میزان دیه آن یک‌پنجم دیه کامل، یا به عبارتی ۲۰۰ دینار خواهد بود (۲۵-۵). قانونگذار به تبعیت از دیدگاه مذکور، طی تبصره سوم ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «جنایت بر گونه اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد موجب یک پنجم دیه کامل است.»

۱-۲- دیدگاه دوم: گروه دیگری از فقها بر این باورند که هرگاه جراحتی بر گونه وارد آید که از طریق آن جراحت، داخل دهان نمایان شود، میزان دیه آن یک‌دهم دیه کامل یا به عبارتی ۱۰۰ دینار خواهد بود (۲۴، ۲۷-۲۶).

۲- ادله

۲-۱- ادله دیدگاه اول: دیه جراحت گونه ۲۰۰ دینار است: بر اساس بررسی‌های صورت گرفته باید گفت تنها دلیلی که قائلین به دیدگاه مذکور برای نظر خویش اقامه می‌کنند استناد به روایت ظریف است (۵). در کتب روایی، روایتی پیرامون موضوع جراحات و دیات موجود است که به «روایت ظریف» معروف است. در این روایت، بسیاری از جراحات به

(۲۲). همچنین «الخد»، فضایی دانسته شده است که از ذیل کاسه چشم تا استخوان‌هایی که دندان‌ها در آنجا می‌روید را شامل می‌شود (۲۰). از تعاریف مذکور می‌توان دریافت که «خد»، محدوده‌ای از صورت است که مرز آن از ذیل کاسه چشم تا گوشه لب را احاطه می‌کند: «خَد: الجدار اللحمی الذی یكون جانب الوجه» (۲۳). گونه یا لپ، در کالبدشناسی انسان به بخشی از صورت گفته می‌شود که در زیر حفره چشم‌ها و بین بینی و گوش‌ها و بالای استخوان فک فوقانی قرار دارد. به طور دقیق‌تر، گونه در اصطلاح پزشکی با عناوین عضلات گونه‌ای بزرگ و گونه‌ای کوچک (Zygomaticus Minor and Magor) شناخته می‌شود. به عمل لبخندزدن کمک می‌کند، عضله گونه‌ای بزرگ، سطحی بوده و از عمق عضله حلقوی دور چشم در طول بخش خلفی، سطح خارجی استخوان گونه منشأ گرفته و سپس به پایین و جلو رفته و با الیاف عضله حلقوی دور دهان درهم آمیخته و به پوست گوشه دهان متصل می‌شود، در حالی که عضله گونه‌ای کوچک، از استخوان گونه، درست در جلوی محل اتصال عضله گونه‌ای بزرگ منشأ گرفته و درست به موازات مسیر عضله‌ای گونه‌ای بزرگ، به لب فوقانی در مجاورت گوشه دهان متصل می‌شود. هر دو عضله گونه‌ای، گوشه دهان را بالا می‌برند و آن را به خارج می‌کشند. گونه در هر دو طرف صورت در تصویر زیر نمایان است.



تصویر گونه در دو طرف صورت که با فلش به آن‌ها اشاره شده است.

ارزیابی میزان دیه نافذه گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان

اشاره شد که هرگاه آلت جارحه، به ناحیه گونه نفوذ کند، دو فرض جرحی برای آن متصور است: اول، فرضی که آلت

همراه میزان دیه آن‌ها بیان شده و بخشی از آن پیرامون دیه جراحات گونه است. نص روایت مورد نظر پیرامون جراحات گونه از این قرار است که اگر شکافی در گونه ایجاد شود به طوری که درون دهان از طریق آن شکاف رؤیت شود، دیه آن دوپست دینار است: «فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدِيَّتُهَا مِائَتَا دِينَارٍ» (۲۸-۲۹).

۲-۲- ادله دیدگاه دوم: دیه جراحات گونه ۱۰۰ دینار

است: بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تنها دلیل دیدگاه دوم همانند دیدگاه اول، استناد به همان روایت ظریف است، با این تفاوت که منابع روایی دو دیدگاه با یکدیگر متفاوت می‌باشد. میزان دیه گونه در روایت ظریف بر اساس منابع روایی مورد نظر فقیهان دیدگاه دوم، صد دینار است. این میزان از دیه به صراحت در نص روایت ظریف از منابع مورد نظر قائلین دیدگاه دوم قابل مشاهده است: «فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ؛ اگر شکافی در گونه ایجاد شود، به طوری که درون دهان از طریق آن شکاف رؤیت شود، دیه‌اش صد دینار است» (۳۰-۳۲).

۳- ارزیابی مشترک ادله دیدگاه اول و دوم

همان‌گونه که از ادله پیش گفته مشهود است، صاحب نظران هر دو دیدگاه، به روایت ظریف تمسک می‌جویند. با این تفاوت که منابع روایی دو دیدگاه با یکدیگر متفاوت است. فقهای دیدگاه اول، روایت ظریف را از منابع روایی کافی و وسائل الشیعه نقل کرده، در حالی که فقهای دیدگاه دوم، روایت ظریف را از منابع روایی «من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام» نقل می‌نمایند. برای این‌که بتوان ارزیابی را در کمال دقت انجام داده و به دیدگاه صائب نائل آمد، ناگزیر لازم است در وهله نخست، روایت ظریف در منابع روایی گفته شده مورد بررسی سندی قرار گیرد و سپس آن بخش از روایت ظریف که پیرامون بحث حاضر، یعنی نافذه گونه است در منابع روایی گفته شده مورد بررسی دلالتی قرار داده شود.

۴- بررسی سندی روایت ظریف

ظریف بن ناصح، محضر امام محمدباقر (ع) و امام جعفرصادق (ع) را درک کرده و از امام صادق (ع) روایات زیادی نقل نموده است. ظریف در کوفه به دنیا آمده و در بغداد نشو و نما یافته

است. رجالیان امامیه ایشان را بر مذهب امامیه دانسته (۳۴-۳۳) و وی را در زمره راستگویان و از ثقات دانسته‌اند (۳۶-۳۵). روایت دیات ظریف بن ناصح در چهار منبع روایی مهم امامیه اعم از کافی، وسائل الشیعه، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده است، لکن در دو منبع روایی کافی و وسائل الشیعه میزان دیات جراحات گونه، دوپست دینار نقل شده (۲۸-۲۹)، در حالی که میزان دیات جراحات گونه در دو منبع روایی تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه، صد دینار نقل شده است (۳۱-۳۰). تحقیقات صورت‌گرفته حاکی از آن است که روایت مذکور در منابع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه دارای طرق صحیح است. همچنین روایت مذکور در منابع کافی و وسائل الشیعه دارای طرق صحیح می‌باشد. در هر صورت نمی‌توان در سند روایت ظریف تردید کرد، به ویژه آنکه روایت مورد بحث، دارای شهرت فتوایی بوده و مشهور فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند (۳۷). لازم به ذکر است که روایت ظریف بن ناصح به هر دو شکل صد دینار و دوپست دینار در لسان فقها قابل رؤیت است و محدثین، هیچ دلیلی برای ترجیح سندی یکی از دو نقل بر دیگری ارائه نکرده‌اند. بر اساس مطالب گفته‌شده تنها راه برای ترجیح سندی، عمل مشهور است که البته ناظر به عمل فقها امکان قائل‌شدن به شهرت وجود ندارد. بنابراین هیچ‌گونه ترجیح سندی برای روایت ظریف میان منابع چهارگانه روایی وجود نداشته و هر یک با دیگری در این امر برابر است.

۵- بررسی دلالتی روایت ظریف

اکنون که معلوم شد ترجیح سندی بین منابع روایی موجود، غیر ممکن است، ناگزیر تنها طریق برون‌رفت از چالش پیش رو ارزیابی دلالتی از روایت ظریف است. برای مذاقه در ارزیابی دلالتی لازم است نص روایت ظریف در بخش مربوط از منابع مورد نظر ذکر شده و واژه به واژه مورد تحلیل واقع شود.

۵-۱- دلالت روایت ظریف بر اساس منابع روایی

دیدگاه اول: فقهای دیدگاه اول که میزان دیه نافذه گونه را دوپست دینار می‌دانند به روایت ظریف از منابع کافی و وسائل الشیعه استناد می‌جویند (۲۸-۲۹). همانطور که اشاره شد، روایت ظریف طولانی بوده و به جراحات متعددی پرداخته

است، لکن پژوهش حاضر منحصر در بخشی از روایت ظریف خواهد بود که درباره نافذه گونه است؛ بخش مورد نظر از قرار ذیل است:

۱-۵- نافذه گونه بر اساس منابع روایی کافی و وسائل الشیعه: در گونه اگر شکافی باشد که درون دهان از آن دیده شود دیه‌اش دوپست دینار است: «فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدِيَّتُهَا مِائَتَا دِينَارٍ» و اگر شکافی در هر دو گونه باشد دیه هر دو گونه، صد دینار است، و این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود: «فَإِنْ كَانَتْ نَافِذَةٌ فِي الْخَدَّيْنِ كِلَيْهِمَا فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ نِصْفُ دِيَةِ الَّتِي يَرَى مِنْهَا الْفَمُ»؛ اگر گونه، هدف تیری قرار گرفته که به استخوان نفوذ کرده باشد تا جایی که به سقف دهان برسد در این صورت، دیه‌اش صد و پنجاه دینار است که پنجاه دینار آن برای شکاف برداشتن استخوان است: «فَإِنْ كَانَتْ رَمِيَّةً يَنْصَلُّ يَثْبُتُ فِي الْعَظْمِ حَتَّى تَنْفُذَ إِلَى الْحَنَكِ فَدِيَّتُهَا مِائَةُ وَ خَمْسُونَ دِينَاراً جُعِلَ مِنْهَا خَمْسُونَ دِينَاراً لِمُوضِحَتِهَا».

۲-۵- دلالت روایت ظریف بر اساس منابع روایی

دیدگاه دوم: فقهای دیدگاه دوم که میزان دیه نافذه گونه را صد دینار می‌دانند، به روایت ظریف از منابع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه استناد می‌جویند (۳۱-۳۰). بخش مورد نظر از روایت ظریف که منحصر در نافذه گونه است، از قرار ذیل است:

۲-۱-۵- نافذه گونه بر اساس منابع روایی تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه: در گونه اگر شکافی باشد که درون دهان از آن دیده شود، دیه‌اش صد دینار است: «فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ» و اگر شکافی در هر دو گونه باشد دیه هر دو گونه، صد دینار است و این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود: «فَإِنْ كَانَتْ نَافِذَةٌ فِي الْخَدَّيْنِ كِلَيْهِمَا فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ نِصْفُ الدِّيَةِ الَّتِي يَرَى»؛ اگر گونه هدف تیری قرار گرفته که به استخوان نفوذ کرده باشد تا جایی که به سقف دهان برسد در این صورت، دیه‌اش صد و پنجاه دینار است که پنجاه دینار آن برای شکاف برداشتن استخوان است: «إِنْ كَانَتْ رَمِيَّةً يَنْصَلُّ

نَشِبَتْ فِي الْعَظْمِ حَتَّى تَنْفُذَ إِلَى الْحَنَكِ فَدِيَّتُهَا مِائَةُ وَ خَمْسُونَ دِينَاراً جُعِلَ مِنْهَا خَمْسِينَ دِينَاراً لِمُوضِحَتِهَا».

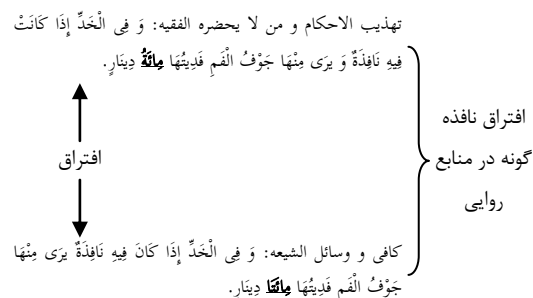
۳-۵- مقایسه دلالت روایت ظریف در منابع روایی

هر دو دیدگاه: برای کمال دقت و نظم در مقایسه دلالت روایت ظریف در بخش نافذه گونه می‌توان اشتراکات و افتراقات روایت ظریف را در منابع روایی مورد نظر به شرح ذیل دسته‌بندی نموده و بر اساس آن‌ها ادامه پژوهش را ساماندهی کرد.

۱-۳-۵- اشتراک دلالتی روایت ظریف در منابع روایی: با مطالعه دلالت روایت ظریف در بخش نافذه گونه معلوم می‌شود که میزان دیه نافذه گونه در همه منابع روایی، در دو فرض «نافذه در دو گونه» و «نافذه کشیده‌شده تا سقف دهان» مشترک بوده و در هیچ موری با یکدیگر اختلاف ندارند. دلالت روایت در همه منابع روایی دیدگاه اول و دیدگاه دوم به طور مشترک از قرار ذیل است:

اگر شکافی در هر دو گونه باشد دیه هر دو گونه، صد دینار است و این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود: «فَإِنْ كَانَتْ نَافِذَةٌ فِي الْخَدَّيْنِ كِلَيْهِمَا فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ نِصْفُ الدِّيَةِ الَّتِي يَرَى»؛ اگر گونه هدف تیری قرار گرفته که به استخوان نفوذ کرده تا جایی که به سقف دهان برسد، در این صورت دیه‌اش صد و پنجاه دینار است که پنجاه دینار آن برای شکاف برداشتن استخوان است: «إِنْ كَانَتْ رَمِيَّةً يَنْصَلُّ يَثْبُتُ فِي الْعَظْمِ حَتَّى تَنْفُذَ إِلَى الْحَنَكِ فَدِيَّتُهَا مِائَةُ وَ خَمْسُونَ دِينَاراً جُعِلَ مِنْهَا خَمْسِينَ دِينَاراً لِمُوضِحَتِهَا».

۲-۳-۵- افتراق دلالتی روایت ظریف در منابع روایی: با مطالعه دلالت روایت ظریف - بخش نافذه گونه - در چهار منبع روایی مورد نظر معلوم می‌شود که چهار منبع مذکور، فقط در یک فرض نافذه گونه با یکدیگر اختلاف دارند؛ فرضی که آلت جارحه، یک گونه را هدف قرار داده و اصطلاحاً داخل دهان را آشکار کرده باشد. فرض اختلافی در منابع روایی از قرار ذیل است:



در گونه اگر شکافی باشد که درون دهان از آن دیده شود، دیده‌اش صد دینار یا دویست دینار است: «وَ فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدَيْتُهَا بِإِلَاقَةٍ أَوْ مِائَتًا دِينَارٍ».

۴-۵- نقد دلالت روایت ظریف در منابع کافی و

وسائل الشیعه: اکنون که اشتراک و افتراق بخش روایی مورد نظر از هر چهار منبع روایی روشن شد، می‌توان ایرادات متعددی به میزان دیه دویست دینار در منابع کافی و وسائل الشیعه وارد نمود. به جهت سیر منطقی بحث و پرهیز از تشویش، لازم است تا اشتراک و افتراق پیش‌گفته، فرض‌بندی شده و در قالب فروض به کشف ایرادهای وارد بر روایت ظریف در منابع روایی کافی و وسائل الشیعه اقدام شود.

۴-۵-۱- فرض افتراق: در گونه اگر شکافی باشد که درون دهان از آن دیده شود دیده‌اش صد دینار است: «فِي الْخَدِّ إِذَا كَانَ فِيهِ نَافِذَةٌ يَرَى مِنْهَا جَوْفُ الْفَمِ فَدَيْتُهَا بِإِلَاقَةٍ أَوْ مِائَتًا دِينَارٍ».

۴-۵-۲- فرض اول اشتراک: اگر شکافی در هر دو گونه باشد دیه هر دو گونه، صد دینار است و این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود: «فَإِنْ كَانَتْ نَافِذَةٌ فِي الْخَدِّينِ كِلَاهِمَا، فَدَيْتُهَا بِإِلَاقَةٍ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ نِصْفُ الدِّيَةِ الَّتِي يَرَى».

۴-۵-۳- فرض دوم اشتراک: اگر گونه هدف تیری قرار گرفته که به استخوان نفوذ کرده باشد تا جایی که به سقف دهان برسد، در این صورت، دیده‌اش صد و پنجاه دینار است که پنجاه دینار آن برای شکاف برداشتن استخوان است: «إِنْ كَانَتْ رَمِيَةً يَنْصَلُّ نَشِيبُ فِي الْعَظْمِ حَتَّى تَنْفُذَ إِلَى الْحَنَكِ فَدَيْتُهَا بِإِلَاقَةٍ وَ خَمْسُونَ دِينَارًا جَعَلَ مِنْهَا خَمْسِينَ دِينَارًا لِمُوضِحَتِهَا».

نقد اول: تعارض فرض «اول» و فرض «دوم» در میزان

دیه: اگر بر اساس منابع روایی کافی و وسائل الشیعه، مقدار

دیه را در فرض اول دویست دینار بدانیم، در این صورت، مقدار دیه در فرض دوم با همان منابع کافی و وسائل الشیعه، با میزان دیه در فرض اول همخوانی منطقی ندارد، زیرا دو منبع روایی کافی و وسائل الشیعه مقدار دیه جراحت گونه را در فرض اول خود یعنی نمایان شدن داخل دهان دویست دینار می‌دانند؛ آنگاه در فرض دوم خود آورده‌اند: «اگر شکافی در هر دو گونه باشد، دیه هر دو گونه، صد دینار است و این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود». این شکل محاسبه چگونه ممکن است؟! زیرا روایت در فرض جراحت گونه که داخل دهان نمایان شود، مقدار دیه را دویست دینار تعیین نموده است، آنگاه چگونه ممکن است شکاف هر دو گونه مشروط به آنکه داخل دهان نمایان نشود، صد دینار باشد و گفته شود که این نصف دیه شکافی است که دهان از آن شکاف دیده می‌شود. با این حساب، لازم است دیه در فرض اخیر دویست دینار تعیین شود، زیرا بر اساس منابع کافی و وسائل الشیعه، میزان دیه در فرض جراحت گونه که داخل دهان از آن نمایان شود دویست دینار دانسته شد. بنابراین لازم است نصف دیه که داخل دهان از آن نمایان نشود صد دینار بوده، و مجموع دو گونه دویست دینار شود، یعنی معادل جراحت بر یک گونه در فرضی که داخل دهان نمایان شود. بر اساس نقد اول، یا میزان دیه در فرض اول که دویست دینار تعیین شده است اشتباه بوده، و باید به صد دینار تغییر کند و یا این که میزان دیه صد دینار در فرض دوم، یعنی جراحت بر دو گونه به شرطی که داخل دهان نمایان نشود، اشتباه بوده و باید به دویست دینار تغییر یابد.

نقد دوم: تعارض فرض «اول» و فرض «سوم» در میزان

دیه: اگر بر اساس منابع روایی کافی و وسائل الشیعه، مقدار دیه در فرض اول دویست دینار دانسته شود، آنگاه محاسبه میزان دیه در فرض اول و سوم همان منابع، منطقی نخواهد بود، زیرا روایت گونه در منابع روایی کافی و وسائل الشیعه میزان دیه را در فرض سوم، یعنی هنگامی که گونه، هدف تیری قرار گرفته شود و تیر به استخوان نفوذ کرده تا جایی که به سقف دهان برسد در این صورت، دیده‌اش را صد و پنجاه دینار تعیین کرده است و تفکیک می‌کند که پنجاه دینار از

دویست دینار برای نافذه یک گونه، بر پایه منابع روایی کافی و وسائل الشیعه به هیچ طریق قابل استناد نیست.

مؤیدات دلالت روایت ظریف در منابع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه

روایت ظریف در منابع تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه دال بر این بود که دیه نافذه گونه، به میزان صد دینار است. بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته معلوم شد هیچ نقدی که ایجاد خدشه به میزان دیه مذکور وارد کند، در دست نیست. اکنون در این بخش از پژوهش لازم است بیان شود که مؤیداتی مبنی بر میزان دیه صد دینار برای نافذه گونه در منابع فقه امامیه به شرح ذیل موجود است:

۱- مؤید اول: هم‌پوشانی میزان دیه صد دینار با همه فروض نافذه گونه

آنچه که به عنوان اشتراک اول و اشتراک دوم در همه منابع روایی وجود داشت درباره نافذه دو گونه و نافذه گونه تا سقف دهان بود. دیه در صورت شکاف دو گونه که داخل دهان نمایان نشود، به میزان صد دینار بود و این نصف دیه شکاف یک گونه است در صورتی که دهان از آن شکاف دیده شود: «فَإِنْ كَانَتْ نَافِذَةً فِي الْخَدَّيْنِ كِلَيْهِمَا، فَدِيَّتُهَا مِائَةُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ يَصِفُ الدِّيَّةَ الَّتِي يَرَى» بر این اساس، دیه صد دینار برای یک گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان، با میزان دیه دو گونه در فرض نمایان نشدن داخل دهان به طور کامل هم‌پوشانی دارد. همچنین اگر گونه، هدف تیری قرار می‌گرفت که به استخوان نفوذ کرده و به سقف دهان می‌رسید، در این صورت، دیه‌اش صد و پنجاه دینار بود که پنجاه دینار آن برای شکاف برداشتن استخوان است: «إِنْ كَانَتْ رَمِيَّةً يَنْصَلُّ نَشِيبُ فِي الْعَظْمِ حَتَّى تَنْفُذَ إِلَى الْخَنَكِ فَدِيَّتُهَا مِائَةٌ وَ خَمْسُونَ دِينَاراً جَعَلَ مِنْهَا خَمْسِينَ دِينَاراً لِمُوضِحَتِهَا.» کاملاً واضح است که میزان صد دینار، برای نافذه گونه است و در این صورت، دیه صد دینار برای یک گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان به طور کامل با فرض مذکور هم‌پوشانی دارد.

مجموع صد و پنجاه دینار برای شکاف برداشتن استخوان است. از بیان روایی مذکور آشکارا پیداست که صد دینار باقیمانده از مجموع صد و پنجاه دینار، متعلق به دیه جراحت گونه است که تیر از یک طرف گونه وارد شده و تا آسیب به استخوان و سقف دهان نفوذ کرده باشد، پس قابل کشف است که عضو گونه از هر دو طرف، شکاف برداشته است و این همان جراحت نافذه است و به درستی مطابق با نص روایت، دیه‌اش صد دینار می‌باشد، اما این دیه صد و پنجاه دینار در فرض سوم به هیچ وجه با دیه دویست دینار در فرض اول تناسب منطقی ندارد، زیرا در فرض اول، یعنی هنگامی که گونه از هر دو طرف، شکافته شود دیه دویست دینار تعیین شده است. بنابراین اگر در روند شکافته شدن دو طرف گونه، یک آسیب استخوانی پیش آید باید مجموع دیه، دویست و پنجاه دینار شود، نه مطابق با فرض سوم، صد و پنجاه دینار، با این حال، به صراحت از روایت موجود در منابع کافی و وسائل الشیعه پیداست که دیه در فرض اول، دویست دینار بوده و در فرض سوم، صد و پنجاه دینار است که این تناقضی آشکار است. بنابراین یا باید میزان دیه در فرض اول، صد دینار تعیین شود و یا این که میزان دیه در فرض سوم، به دویست و پنجاه دینار تغییر یابد.

بر اساس دو نقد فوق، آشکار است که میزان دیه دویست دینار برای نافذه یک گونه در فرض نمایان شدن داخل دهان، به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح باشد. از این روست که گروهی از فقها بر این باور هستند که میزان دیه دویست دینار در منابع کافی و وسائل الشیعه ناظر بر مجموع نافذه دو گونه است (۳۸). اگر میزان دویست دینار در منابع کافی و وسائل الشیعه به این نحو تحلیل شده و میزان دویست دینار برای مجموع دو گونه دانسته شود، آنگاه می‌توان میزان دیه دویست دینار را در منابع کافی و وسائل الشیعه توجیه کرد و در این صورت، چهار منبع روایی با یکدیگر تفاوتی نخواهند داشت. گروه دیگری از فقها متذکر توجیه مذکور نشده و با پذیرش نقدهای وارد بر منابع روایی کافی و وسائل الشیعه، ذکر میزان دویست دینار در منابع کافی و وسائل الشیعه را از روی سهو دانسته‌اند (۲۶). در هر صورت، آنچه که مورد نظر است آن است که میزان دیه

۲- مؤید دوم: هم‌پوشانی میزان دیه صد دینار با دیه نافذه در فقه امامیه

در صدر پژوهش حاضر اشاره شد که در فقه اسلامی جراحات پدیدآمده در سر و صورت با عنوان «شجاج» و جراحات پدیدآمده در غیر سر و صورت با عنوان «جرح» شناخته می‌شوند. جراحات نافذه از تقسیم‌بندی‌های «جرح» محسوب می‌شود. عنوان «نافذه» در فقه امامیه، مبین یک جراحات با ماهیت منحصر به فرد است. میزان دیه جراحات نافذه در فقه امامیه به میزان صد دینار است (۳۱-۲۹). فقهای امامیه پیرامون نفوذ آلت جارحه در محل ایجاد نافذه اختلاف نظر دارند: گروهی از فقها جراحات نافذه را به مطلق نفوذ آلت جارحه در عضوی از اعضای بدن تعریف کرده و میزان خاصی از این نفوذ را تشریح نکرده‌اند (۱۶-۱۵)؛ در حالی که گروه دیگری از فقها نافذه را جراحی می‌دانند که آلت جارحه با نفوذ در عضوی از اعضای بدن موجب شکافته‌شدن دو طرف عضو شود (۱۸-۱۷). شناخت میزان نفوذ آلت جارحه در محل نافذه، از مباحث مهم و ماهیت‌شناسی نافذه است، لکن بر اساس رهیافت‌های پژوهشی که در این‌باره موجود است جراحات نافذه تنها زمانی محقق خواهد شد که آلت جارحه از طریق پوست و گوشت یک طرف عضو به باطن محل جرح نفوذ کرده تا این‌که گوشت و پوست طرف دیگر همان عضو را بشکافد (۱۹)، در این صورت، نافذه محقق نمی‌شود مگر آنکه آلت جارحه، هر دو طرف عضو را بشکافد. تا اینجا شرط میزان نفوذ آلت جارحه در محل نافذه مشخص شد. اکنون باید دید محل جراحات نافذه که دیه آن صد دینار است در کدام نواحی از اعضای بدن قابل تحقق است. بر اساس ادله موجود، ایجاد جراحات نافذه با دیه صد دینار فقط شامل اعضایی می‌شود که دیه آن اعضا یا بیش از یک‌دهم دیه کامل باشد و یا دیه آن‌ها کم‌تر از صد دینار نباشد (۳۹). بر اساس مطالب مذکور، نافذه گونه که در روایت ظریف هم با همین عبارت «نافذه گونه» قابل مشاهده است از جهت احکام و آثار، تابع جراحات نافذه مصطلح در فقه امامیه است و بالتبع، دیه آن صد دینار است، زیرا مقصود از نافذه گونه همان است که آلت جارحه هر دو طرف عضو ناحیه گونه را شکافته به طوری که اصطلاحاً داخل

دهان از آن قابل رؤیت باشد و از طرفی، دیه گونه بیش از صد دینار است (۴۰) و شرط محل قرارگرفتن برای نافذه مصطلح را دارد، در این صورت، مانعی برای این‌که نافذه گونه از مصادیق جراحات نافذه مصطلح شمرده نشود، موجود نیست و در این فرض، دیه آن صد دینار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در فقه جزایی اسلام میزان دیه جراحات بر اساس ویژگی‌های خاص جراحات و مرزبندی‌های منصوص تعیین می‌شود. در مواردی دیه مقدر لازم می‌آید و در مواردی ارش ثابت می‌شود. مسأله پژوهش حاضر درصدد کشف میزان دیه نافذه گونه است. قانونگذار کتاب مجازات اسلامی طی تبصره سوم ماده ۷۰۹ جنایت بر گونه را در فرض نمایان‌شدن داخل دهان، یک‌پنجم دیه کامل مقرر کرده است. مبنای تقریر یک‌پنجم دیه، کامل بر اساس منابع روایی کافی و وسائل الشیعه صورت گرفته است، لکن تحلیل‌های دلالتی صورت‌گرفته همگی حاکی از آن است که روایت مستند در منابع کافی و وسائل الشیعه، حداقل در بخش نافذه گونه، قابلیت استناد ندارد و میزان یک‌پنجم دیه در آن منابع روایی یا از روی سهو تحریر شده و یا این میزان دیه، گویای مجموع دیه دو گونه است. بر اساس بحث و بررسی‌هایی که گذشت نتیجه می‌شود که هرگاه آلت جارحه از طرف خارج گونه به طرف داخل گونه نفوذ کند، به طوری که اصطلاحاً داخل دهان رؤیت شود، در این فرض، میزان دیه صد دینار خواهد بود، زیرا در درجه اول، نص روایت ظریف در منابع معتبر روایی تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه بر آن میزان دلالت داشته و هیچ نقضی بر آن وارد نیست؛ در درجه دوم، نافذه گونه یکی از مصادیق جراحات نافذه مصطلح در فقه امامیه است که دیه آن به طور مقدر، به میزان صد دینار تعیین شده است.

پیشنهاد اصلاح تبصره

بر اساس تحقیقات انجام‌شده در پژوهش حاضر به نظر می‌رسد تعیین دیه نافذه گونه به میزان یک‌پنجم دیه، آنچنان که قانونگذار بدان اقدام کرده است، با نقدهای جدی مواجه

بوده، و نیازمند اصلاح است. از این رو اصلاح تبصره سوم ماده ۷۰۹ ق.م.ا بدین شکل پیشنهاد می‌شود: «جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان سازد، موجب یک‌دهم دیه کامل است.»

References

1. Raghieb Isfahani H. Mofradat Alfaz of Quran. Lebenon: Dar al-Ilm; 1412. p.862.
2. Mostafavi H. Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim. Tehran: The Center for the Translation and Publication of Books; 1385. Vol.13 p.73.
3. Johari I. Tajoloqah va sehah alarabia. Beyrut: Dar al-Elm Lelmalayin; 1410. Vol.6 p.2521.
4. Ibn Athir Jazari M. Al-Nahya fi gharib al-Hadith va al-Athar. Qom: The Ismailis Press Institute; No Date. Vol.3 p.278.
5. Khooyee SA. Mabani Takmila al-Minhaj. Qom: The Institution to Revive Imam Khooyee's Works; 1422. Vol.42 p.229, 488.
6. Mohammadi AH. Criminal Law of Islam. Tehran: University Publication Center; 1374. p.1.
7. Mir Mohammad Sadeqi H. Offenses against Persons. Tehran: Mizan; 1392. p.212.
8. Ahmad ibn Fars. Mo'jam Maghaees al-Logha. Qom: Islamic Development Organization; 1404. Vol.1 p.451.
9. Hashemi Shahroudi M. Dictionary of Figh according to the religion of Ahl al-Bayat. Qom: Feqh and Ma'aref of Ahl al-Bayt; 1426. Vol.2 p.46.
10. Rohani Qommi SS. Minhaj al-Salehin. Qom: No Name; No Date. Vol.3 p.353.
11. Khansari SA. Jame al-Madarek fi Sharh Mokhtasar al-Nafe'. Qom: Ismaelian Institution; 1405. Vol.6 p.263.
12. Mascher A. Basic Histology. Tehran: Mir Mah; 1395. p.488-489, 500.
13. Goodarzi F, Kiani M. Forensics. Tehran: Samt; 1394. p.267.
14. Qazayee S. Forensics. Tehran: University of Tehran; 1373. p.158.
15. Allameh Helli H. Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1410. Vol.2 p.245.
16. Moghaddas Ardabili A. Majma' al-Faede va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1403. Vol.14 p.459.
17. Ibn Joneyd Skafi M. Collection of Verdicts. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1416. p.362.
18. Movahedi Lankarani MF. Jame' al-Masa'el. Qom: Amir Qalam Publication; No Date. Vol.1 p.506.
19. Vatani A, Zargerian T. Explaining the Identity of Penetrative Injure in Criminal Law of Imamyia (A Critique to the Second Note of Article 713 of the Islamic Punishment Law). *Feqhh Journal* 1396; 31(13): 33-45.
20. Ibn Manzour JD. Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Fekr; 1414. Vol.2 p.160.
21. Qorashi SAA. Qamoos Qur'an. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia; 1412. Vol.2 p.229.
22. Toreyhi FD. Majma al-Bahrayn. Tehran: Mortazavi; 1416. Vol.3 p.43.
23. Al-Baladi A. Al-Qamoos al-Tebi al-'Azi. Jordan: Dar al-Bashir; 1425. p.4.
24. Najafi MH. Javaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi; 1404. Vol.43 p.344.
25. Sabzevari SA. Mohazzab al-Ahkam. Qom: al-Minar Institution; 1413. Vol.29 p.203.
26. Tarhini Ameli SMH. Al-Zobda al-Feqhia fi Sharh al-Rodha al-Bahia. Qom: Dar al-Fiqh lil Teba'a va al-Nashr; 1427. Vol.9 p.669-670.
27. Allameh Helli H. Tahrir al-Ahkam al-shar'eie ala Mazhab al-Imamyia. Qom: Imam Sadeq Institution; 1420. Vol.5 p.620.
28. Koleini M. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamie; 1407. Vol. p.332.
29. Horr Ameli M. Wasael al-Shia. Qom: Al al-Bayt; 1409. Vol.29 p.295, 378.
30. Sadooq M. Man la Yahzarhoo al-Faqih. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1413. Vol.4 p.82, 92.
31. Toosi M. Tahzib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamia; 1407. Vol.10 p.299.
32. Majlesi MB. Mera't al-Oghool fi Sharh Akhbar al-Rasool. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamie; 1404. p.111.
33. Ibn Davood Helli H. Rejal Ibn Davood. Tehran: University of Tehran; 1383. p.192.
34. Allameh Helli H. Rejal al-Allameh-Kholasa al-Aghval. Najaf: Manshourat al-Matba'a al-Heidari; 1381. p.90.
35. Najashi A. Rejal al-Najashi. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1407. p.209.
36. Sobhani J. Mosu'a Tabaqat al-Foqaha. Qom: Imam Sadeq Institution; No Date. Vol.2 p.283.
37. Bye HA. A Reflection on the Principle of "blood money for bone fracture". *Quarterly for Islamic Law* 1394; 12(44): 31-36.

-
38. Majlesi MB. Hodood, Ghesas and Diat. Tehran: Islamic Works Publication Institute; 1404. p.130.
39. Fazel Lankarani M. Tafsil al-Shari'a fi Sharh Tahrir al-Wasila al-Diat. Qom: Aeme Athar; 1418. p.262.
40. Helli Y. Nozaha al-Nazer fi Jam' Bayn al-Ashbah va al-Nazaer. Qom: Manshourat-e Razi; 1394. p.139.